

مقایسه نظام ارزشهای دینی منعکس شده در مطبوعات: قبل و بعد از انقلاب اسلامی

شهلا باقری^۱

چکیده: مبنای این پژوهش «رابطه انسان با خدا» در قالب الگوهای مختلف جهت گیری ارزشی در جامعه ایران است که با الهام از آموزه‌های مولای متقیان، امام علی (ع)، در نهج البلاغه الگویی نظری برای بررسی آن طراحی شده است. روش تحقیق، تحلیل محتوای مضامین ارزشی مندرج در روزنامه‌های کثیرالتشعار و با قدمت چهل سال گذشته بوده و بر اساس یافته‌ها و نتایج تحقیق، جهت گیری نظام ارزشهای دینی - فرهنگی بر پایه سنجه‌های دینداری از الگوی «حساسی - مناسکی» قبل از انقلاب اسلامی به الگوی «پیامدی - فکری» بعد از انقلاب اسلامی تحول یافته است. نتایج حاصل از آزمون تفکیک احتمال وقوع: تحلیل خوشه^۲ و الگوریتمهای خوشه‌بندی نیز نشان دهنده آن است که وقتی جهت گیریهای ارزشی از نوع «پیامدی» در حوزه دینداری رواج می‌یابد، بقیه ارزشها در این حوزه تحت الشعاع قرار می‌گیرند.

کلیدواژه: رابطه انسان با خدا، ارزشهای دینی، الگوی احساسی - مناسکی، الگوی پیامدی - فکری، انقلاب اسلامی.

بیان مسأله

رابطه انسان با خدا، به عنوان یک ارزش محوری در همه زمانها و همه جوامع از ابتدایی تا مدرن به اشکال و طرق مختلف وجود و حضور داشته است. لاروس، اشتغال فکر به امر فوق طبیعی و الهی

۱. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی). Email:sbagheri@saba.tmu.ac.ir.

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۴ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹ مورد تأیید قرار گرفت.

2. cluster analysis

را یکی از جهانی‌ترین و با ثبات‌ترین گرایش‌های انسانی می‌داند. لیکن نیاز به دین در جریان تاریخ، صور و اشکال گوناگونی یافته است [بیرو ۱۳۷۵:۳۲۱]. از نظر آگوست کنت، انسان نیاز دائمی به مذهب دارد زیرا خواهان دوست داشتن چیزی برتر از خود است [آرون ۱۳۶۳:۱۲۹].

رفتار دینداران علی‌رغم نیاز به دین به عنوان یک نیاز فطری اصیل، از شدت و ضعف بسیاری در طول تاریخ برخوردار بوده است. شدت و ضعف رفتار دینداران در خلال شرایط زمانی و مکانی، مقاطع گوناگون تاریخی و ساختارهای سیاسی و فرهنگی متفاوت، قابل ارزیابی است. بررسی و سنجش رفتار و گفتار دینداران در قالب سنجه‌های دینی، می‌تواند راه را بر مقایسه تطبیقی رفتارهای دینداران هموار کند و تحلیل دقیقتری از تأثیر شرایط اجتماعی بر پیروان تعالیم دینی به منصفه ظهور برساند. در این باره، انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف تاریخ ایران برای بررسی انتخاب شده است. تجربه انقلاب اسلامی ایران، تأثیرپذیری محافل علمی داخل و خارج در درک و پردازش بیشتر این پدیده و اشتیاق به درک رهیافتهای فرهنگی آن به طریق علمی، نقطه عطف چنین مطالعه‌ای تلقی می‌شود. مطالعه‌ای که نوعاً، خلاء آن حتی بعد از گذشت بیست و پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان احساس می‌شود و نگرش و رویکردی فرهنگی به آن را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. انتخاب و فراهم‌آوری دیدگاههایی که بتواند ضمن توضیح کلیتها، عینی‌نگری و درک و تبیین تجربی را نیز محقق سازد، از جمله دشواریها و در عین حال ارزشمندیهایی این راه و اینگونه بررسیها تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، واقعیات تجربی جامعه ایران نشان‌دهنده این امر است که انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران یک انقلاب مبتنی بر ارزشهای دینی بوده است. انقلابی که هدفش بازگشت، احیا و بازسازی سنتهای بنیادی دین اسلام است. این انقلاب از طریق تغییر در ارزشهای مردم امکان‌پذیر گشت و تغییر ارزشها به نوبه خود به تغییر نظام فرهنگی جامعه منتهی شد. مطالعه برخی بررسیهای تجربی مربوط به انقلاب اسلامی ایران نشان‌دهنده این امر است که وضعیت فرهنگی رژیم پهلوی از جمله مهمترین عوامل وقوع این انقلاب می‌باشد [Panahi 2001:63]. برخی تحلیل‌گران غربی نیز در مطالعه و بررسیهای خود از انقلاب اسلامی ایران به نقش «*اعتقادات مسلمین*»، «*مذهب شیعه*» و «*ایدئولوژی اسلامی*» [Holliday 1981:193-205؛ گیدنز ۱۳۷۵:۵۰۷] و ایجاد یک «*فرهنگ مستقل از نفوذ قدرتهای غربی*» [کدی ۱۳۷۵:۴۶۵] به عنوان علل وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد نظامی جدید، تأکید ورزیده‌اند.

در پژوهش حاضر، با هدف کسب بصیرت نظری و تجربی از خصایص و ویژگیهای نظام‌مند فرهنگی ایران در طی چهل سال گذشته، به مطالعه نظام جهت‌گیریهای ارزشی دینی پرداخته می‌شود. سؤال اساسی این تحقیق این است: چه تفاوتها و چه شباهتهایی میان وجوه ارزشی دینی قبل و بعد از انقلاب وجود دارد؟ کدامین دسته از ارزشها نقش محوری دارند؟ و با تغییرات خود از تغییر سایر ارزشها و الگوهای ارزشی پرده برمی‌دارند؟

سوالات فرعی تر شامل موارد زیر است: مقطع قبل از انقلاب اسلامی تداعی گر کدامین ویژگی و سنجه‌های دینی است؟ این ویژگیهای دینی در کدامین آرایشهای ارزشی قابل شناسایی است؟ مقطع بعد از انقلاب اسلامی تداعی‌کننده کدامین خصایص و سنجه‌های دینی است؟ این ویژگیهای دینی در کدامین آرایشهای ارزشی قابل بازشناسی است؟

اهمیت بررسی ارزشهای نشأت گرفته از فرهنگ نیز می‌تواند حائز اهمیت عام و خاص باشد. امروزه با افزایش بی‌سابقه ارتباطات فرهنگی در نتیجه توسعه شبکه‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی و مهاجرت‌های گسترده از یکسو، توجه به تفاوت فرهنگها برجسته شده و از سوی دیگر، به دنبال اشاعه و گسترش فرهنگ مدرن با مباحث و مسائل جدید فرهنگی همچون «جهانی شدن فرهنگ» و یا به عبارتی «جهانی شدن ارزشها» روبه‌رویم. نقش ارزشها علاوه بر آثار و نتایج معنوی و اخلاقی آن برای یک نظام مبتنی بر دین، می‌تواند در تأمین امنیت، استقرار نظم، اجرای قانون، عدالت، حفظ سرمایه‌های مادی جامعه و پیشگیری از جرم و جنایت، حائز اهمیت بسیاری قلمداد شود. لذا جایگاه رفیع ارزشها در بقا و دوام جوامع و رشد و ارتقا آنها، مکانتی خاص بدان بخشیده است.

از آنجا که مطبوعات، فشرده‌ترین رابطه را با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جامعه و عصر خویش دارند، و به عبارتی، دگرگونی ساختارها و شرایط فرهنگی به نوبه خود بر مطبوعات و روزنامه‌ها تأثیر عمیق می‌گذارد و یا به بیانی، دگرگونی مطبوعات نتیجه مستقیم عملکرد نیازها و شرایط عصر ماست، مطبوعات بویژه روزنامه‌ها این امکان را دارند که به نحو شایسته به بررسی و تحلیل و تفسیر مسائل و وقایع اجتماعی و فرهنگی بپردازند و بازتاب‌کننده عقاید گروه‌های عام و خاص باشند [معمد نژاد ۱۳۷۱: ۲۲۸-۲۲۴]، لهذا این مطالعه از طریق بررسی روزنامه‌های کثیرالتنشار به انجام می‌رسد.

محدوده‌های نظری پژوهش

وقوف به اهمیت تأثیرگذاری فکری از طریق وسایل ارتباط جمعی، نقش و اهمیت این رسانه‌ها را در مطالعه، بررسی و شکل‌گیری نظام فرهنگی - دینی جامعه بیشتر می‌نمایاند. این مطلب هم از هدف اصلی ارتباط که تأثیرگذاری بر مخاطبان است و هم از بررسی دیدگاه مخاطبان تجربی رسانه‌ها قابل استفاده است. به اعتقاد صاحب‌نظران وسایل ارتباط جمعی و محققین افکار عمومی، رسانه‌ها با ایفای یک نقش دوسویه و پیچیده، هم جزء فرایندهایی هستند که فرهنگ از آن بیرون کشیده و ساخته می‌شود و هم در صحنه‌ای بازی می‌کنند که حیات فرهنگی و اجتماعی در آن جریان دارد و در ساختار بندی مسائل برای عموم مردم هوشیار، نقش اصلی را بر عهده دارند. آنان از گفتمان رسانه‌ها به عنوان مجموعه تفسیرهای معنادهنده به موضوعات و جهان یاد می‌کنند و معتقدند که ارتباط جمعی این امکان را فراهم می‌کند که افراد بدون تغییر مکان، تجربه برخورد با یک نظام فرهنگی دیگر را حاصل نمایند [لازار: ۱۳۸۰: ۸۶؛ کازنو: ۱۳۶۴: ۲۴۷ - ۲۴۶].

همراه با پارسنز نیز باید گفت که شرط اصلی تداوم نظام تعاملی، هم‌نوایی عاملان با نظام مشاع استانداردهای ارزشی است و جهت‌گیریهای ارزشی یکی از جهت‌گیریهای اصلی کنش اجتماعی می‌باشد و ثبات الگوهای فرهنگی به ثبات ارزشهای محوری در جامعه بستگی دارد. از سوی دیگر، عناصر ارزشی می‌توانند سازگاریهای متفاوتی را به لحاظ قرار گرفتن در کنار یکدیگر تجربه کنند.

بنابر ماهیت انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف و تمایز دو نظام قبل و بعد از سال ۱۳۵۷ و دینی بودن آن، بعد ارزشی رابطه انسان با خدا را مد نظر قرار داده‌ایم. این بعد را از آن جهت ضروری و اساسی می‌دانیم که هم قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری را برای موقعیت فرهنگی جامعه‌ای که محقق در آن زیست و تحقیق می‌کند، فراهم می‌آورد و هم به لحاظ نظری در الگوهای تحلیل دینی - فرهنگی با گشودن بابی جدید، قادر به هماوردی و گسترش حیطه‌های نظری دانش اجتماعی است. خاصه آنکه دین از دیدگاه جامعه‌شناسان، عملاً بر نوعی قدرت عمل اجتماعی انطباق دارد و ضمن خلق یک ارتباط نمادین منظم، فرهنگی را تعریف و تبیین می‌کند که هویت بخشی و پاسخگویی به ماهیت حیات فردی و اجتماعی نیز از وظایف آن بر شمرده شده است

[Robertson 1970: 47; Spiro 1960: 96-98; Yinger 1970: 7]

جامعه ایران نیز با توجه به سابقه دینی خود (پایبندی به آیین زرتشت) که به قرون پیش از ظهور اسلام می‌رسد و پذیرش دین اسلام در اولین دهه‌های ظهورش، وجود بزرگانی از صدر اسلام تاکنون و نیز به دلیل بروز جنبشهای دینی بسیاری در طی قرون تا به امروز می‌تواند به عنوان کشوری با جهت‌گیری دینی تلقی شود.

انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران نیز یک انقلاب دینی بود؛ یعنی انقلابی که هدفش بازگشت، احیا و بازسازی سنتهای بنیادین دین اسلام است و از طریق تغییر در ارزشهای مردم امکان‌پذیر می‌نمود. این تغییر ارزشی تا حدود زیادی توسط اشاعه ارزشهای دینی و ایجاد انگیزه جهت تغییر، به طور کلی، با حضور رهبری کاریزما به وجود آمد، به طوری که نظام ارزشی جدید در مقابل نظام ارزشی شاهانه یا فتودالی که وجود داشت، قرار گرفت [Multu 1996: 353 به نقل از: رفیع‌پور ۱۳۷۶: ۱۲۷].

از آنجا که قاطبه جامعه ایران را مسلمین تشکیل می‌دهند و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوازدهم، دین رسمی ایران را اسلام و مذهبش را جعفری اثنی عشری معرفی می‌کند و در اصل چهارم بر ضرورت اسلامی بودن کلیه قوانین و مقررات تاکید می‌ورزد، لازم می‌نماید که برای بررسی دینداری در جامعه مسلمین، تعریف رهبر دینی مسلمانان و شیعیان، حضرت علی^(ع)، در خطبه اول نهج‌البلاغه مورد توجه و استناد قرار گیرد:

اساس دین، شناختن او (خدا) است. شناختن کامل، تصدیق و گرویدن به او است و تصدیق، تمام توحید و یگانه دانستن او است و کمال توحید، خالص نمودن عمل است برای او [فیض الاسلام ۱۳۶۵: ۲۴].

اسلام‌شناسان در تفسیر نهج‌البلاغه در ذیل این خطبه آورده‌اند که: معرفت، تعیین و قطعیتی است که درباره یک موضوع پیدا می‌شود و تصدیق، حکم یا اعتقاد به ثبوت یا نفی میان دو شیء است. آنان تصدیق را دارای چهار مرحله می‌دانند: ابتدا، شنیدن حکم (اطلاع)؛ دوم، اعتقاد نسبی به آن؛ سوم، اعتقاد بدون ابهام از نظر درک و پذیرش؛ چهارم، آمیخته شدن این اعتقاد با جان که به صورت عامل محرک جدی در زندگی درآمده باشد. آنان بیان می‌دارند که انسان پس از گذراندن سه مرحله اول تصدیق، به توحید، که اعتقاد به یگانگی خداوندی است، می‌رسد. عقیده و اعتقاد، وابستگی روانی به یک موضوع است. این وابستگی، موضوع مورد اعتقاد را به صورت عنصری فعال در سطوح روانی در می‌آورد که روح آدمی را دگرگون می‌کند و با وابستگی مزبور (انسان) مشغول مدیریت زندگی می‌شود [جعفری ۱۳۵۷ ج ۲: ۳۸-۳۴].

هرمنز و اولز که طبقه‌بندی ارزشهای اسپرانگر را به تجربه گذارده‌اند، در نتایج کارشان دریافتند که ارزشهای دینی و اجتماعی که به فلسفه زندگی، هویت افراد و نقش فرد در روابط بین شخصی مربوط می‌شوند، قدرت ویژه‌ای به معناسازی شخصی^۱ داده‌اند. در مقابل، ارزشهای اقتصادی و سیاسی که ممکن است در یک سطح اجتماعی مهم باشند، در زندگی روزمره مهم نبوده‌اند [Hermans & Oles 1994: 574 به نقل از: جلیبی ۱۳۷۵].

براون و ولف^۲ و لیون^۳، مذهب (دین) را عامل مؤثر در پیدایش ارزش می‌دانند [Schwartz 1995: 88-89]. موتلو^۴ معتقد است ارزشهای مذهبی مهمترین عامل تعیین‌کننده نظام ارزشی در جامعه است. وندرزندن نیز دین را پاسخگوی سؤالات غایی می‌داند. شوارتز و هویزمن هم، دین را مبدع ارزشهای متعالی معرفی کرده‌اند [Schwartz 1995: 88]. با توجه به مطالب گفته شده که هر یک بعدی از ابعاد دین را مورد توجه و بررسی قرار داده بودند، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه انسان با خدا عبارت است از:

اعتقاد (باور) به یک وجود ماورای طبیعی، مقدس و والا که احساس خشیت، پرستش و رمز و راز، در انسان ایجاد می‌کند و به عنوان یک نیاز زیستی (نیاز به پاسخگویی سؤالات غایی)، در نهاد انسان ایجاد وابستگی می‌کند و همچنین با تفکیک مقدس از غیر مقدس (جهت تعیین ارزشها) که بر اعمال و مناسکی تکیه دارد و رفتار اخلاقی خاصی (مبتنی بر ارزشها) را می‌طلبد، مشخص می‌شود.

فرضیات تحقیق

۱- ظاهراً بین قبل و بعد از انقلاب اسلامی به لحاظ نظام ارزشهای دینی (رابطه انسان با خدا)، تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد (فرضیه کلی شماره یک)، به نحوی که:

۱-۱- به نظر می‌رسد جهت‌گیری ارزشی رابطه انسانها با خدا از رابطه (دینداری) احساسی، مناسکی قبل از انقلاب اسلامی به رابطه (دینداری) پیامدی و فکری بعد از انقلاب اسلامی معطوف شده باشد (فرضیه جزئی شماره یک).

1. involving meaning personal
2. Brown & Wulff
3. Leewen
4. Mutlu

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا برای بررسی مضامین ارزشی مندرج در متون روزنامه‌های کثیرالانتشار قبل و بعد از انقلاب اسلامی استفاده شده است. صاحب‌نظران معتقدند که با مطالعه محتوای متون هر دوره می‌توان به خصوصیات فرهنگی - اجتماعی آن دوره پی برد. از تکنیک تجزیه و تحلیل فراوانی^۱ و تکنیک تجزیه و تحلیل همگرایی یا تکنیک احتمال وقوع^۲ به عنوان دو تکنیک مهم تحلیل محتوا استفاده شده است. بنابر دیدگاه صاحب‌نظران، تکنیک احتمال وقوع یا همگرایی برای یافتن تزیقات ارزشی و القانات جانبی (و غیر قابل ادراک برای عموم) و نمایاندن ارزشهای فرهنگی کاربرد بهتری دارد.

برای نمونه‌گیری از روزنامه‌ها، از نمونه‌گیری مطابق یا طبقه‌بندی شده متناسب استفاده شد. روزهای سال به تفکیک چهار فصل لیست شدند و برای هر روز هفته در طول یک فصل، یک نمونه و ۲۴ شماره از یک روزنامه در طول یک سال انتخاب شدند و در مجموع از ۶ سال مورد تحقیق (۱۳۸۱-۱۳۷۸-۱۳۶۸-۱۳۵۸-۱۳۵۵-۱۳۴۵) برای چهار روزنامه (ایران، همشهری، کیهان و اطلاعات) جمعاً ۳۸۴ شماره بررسی شد.

در انتخاب جامعه آماری مناسب برخی ملاحظات و نکات مورد توجه قرار گرفت که بدین ترتیب است: نتایج برخی مطالعات درباره میزان مطالعه روزنامه‌ها در ایران که در طی سالهای ۱۳۷۸، ۱۳۷۴، ۱۳۵۸، ۱۳۵۳ به انجام رسید، نشان می‌دهد که دو روزنامه کیهان و اطلاعات در بررسیهای سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۸ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در بررسی سال ۱۳۷۴ نیز روزنامه‌های همشهری، کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی و ایران به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را با خود به همراه آورده‌اند. تحقیق سال ۱۳۷۸ نیز نشان دهنده آن است که بیشترین نسبت مطالعه در خانواده‌ها و افراد را به ترتیب روزنامه‌های همشهری، اطلاعات، کیهان و ایران به خود اختصاص داده‌اند [محسنی ۱۳۷۵: ۱۳۳؛ رجب‌زاده ۱۳۸۰: ۶]. لذا، جامعه آماری مورد نظر ما، شماره‌های منتشر شده روزنامه‌های کیهان و اطلاعات در مقطع قبل از انقلاب اسلامی و روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، ایران و همشهری در مقطع بعد از انقلاب اسلامی هستند. مقاطع زمانی مورد بررسی نیز عبارتند از: ۱۳۴۵،

1. frequency analysis
2. contingency analysis

۱۳۵۵، ۱۳۵۸، ۱۳۶۸، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ می‌باشند. در انتخاب مقاطع زمانی فوق برای بررسی نکات و رویدادهای ذیل مورد توجه بوده است.

سال ۱۳۴۵: در این سال نتایج به اجرا گذاشتن مواد «انقلاب سفید شاه» و «قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی» چهره مشخص تری در صحنه اجتماعی و نیز مطبوعات به خود گرفته است. همچنین با سرکوب قیام پانزده خرداد و درگیریهای وسیع میان عوامل رژیم شاه با روحانیون و مردم، دوره جدیدی در تحکیم قدرت شاه آغاز می‌شود.

سال ۱۳۵۵: این سال از سالهای اوج اقتدار رژیم شاه، سرکوب مخالفین و در عین حال، اوج گیری نبردهای مسلحانه، خبری شدن هر چه بیشتر چهره مطبوعات و غیر سیاسی شدن آنان، حرفه‌ای تر شدن روزنامه‌نگاری و راه‌یابی تدریجی روزنامه‌نگاران جوان و متخصص به مطبوعات، حکایت می‌کند [فرقانی ۱۳۷۴: ۱].

سال ۱۳۵۸: اولین سال کامل پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که به نوعی اوج آزادیخواهی و آزاداندیشی ملت در آن نمود پیدا کرده است. اولین سال کامل قبل از جنگ تحمیلی است که محدودیتهای احتمالی دوران جنگ بر آن اعمال نشده است. در این سال نهادهای انقلابی سپاه، کمیته، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و... با حضور نیروهای جوان تشکیل شده و عشق خدمت به محرومین و مستضعفین و بهره‌گیری از فضای باز فعالیت اجتماعی، همه را به خود مشغول کرده است. اولین قانون مطبوعات بعد از انقلاب اسلامی نیز در این سال طرح شده است. نتایج برخی مطالعات در خصوص میزان مطبوعات در سال ۱۳۵۸ نشان می‌دهد که دو روزنامه *کیهان* و *اطلاعات*، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند [محسنی ۱۳۷۵: ۱۳۳].

سال ۱۳۶۸: در این سال، تغییر در مدیریت عالی نظام جمهوری اسلامی با وفات امام خمینی (س) رهبر انقلاب اسلامی، اتفاق می‌افتد و آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید انتخاب می‌شوند. این سال پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ است. آغاز این دوره، با تثبیت سیاسی و استقرار نهادها همراه است. مطبوعات نیز نقش مثبتی را در مورد ترویج فرهنگ صرفه جویی و توجه دادن به تخصیص منابع به طرحهای سازندگی ایفا نمودند. مطابق نظر سنجیهای به عمل آمده در سال ۱۹۸۹، وضعیت نسبی مطبوعات و رسانه‌های عمومی کشور، نسبتاً قابل قبول بوده و از جامعه آماری ۹۹۵ نفری در تهران، صرفاً ۶ درصد از ۱۴ درصدی که هرگز روزنامه

نمی‌خوانده‌اند، اظهار داشته‌اند که رسانه‌ها خنثی بوده و هیچ‌گونه کارکرد مثبتی نداشته و شایسته توجه نیستند [محسنیان راد ۱۳۷۶:۲۰۶].

سال ۱۳۷۸: با گذشت دو سال از انتخابات ریاست جمهوری و سرآغاز دوره اصلاحی دوم خرداد، مطبوعات و جریانات با تشخیص یافتگی بیشتری به فعالیت ادامه داده‌اند. همچنین با به پایان رسیدن دومین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، سومین برنامه پنج ساله به مرحله اجرا می‌رسد. این سال به یاد رهبر فقید انقلاب اسلامی به نام امام خمینی (س) نامگذاری می‌شود و ششمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در آن برگزار می‌شود. همچنین بر اساس برخی تحقیقات در این سال حدود ۷۰ درصد خانواده‌های ایرانی به مطالعه روزنامه و مجله بخصوص روزنامه‌های هم‌شهری، اطلاعات، کیهان و ایران پرداخته‌اند [رجب‌زاده ۱۳۸۰:۶].

سال ۱۳۸۱: پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب مجدد حجت الاسلام خاتمی، جنبش اصلاح طلبی دوم خرداد، وارد دومین دوره خود می‌شود. سال ۱۳۸۱، اولین سال انتخابات رسمی شوراهای اسلامی شهر و روستا در ایران به حساب آمده و نیز، این سال، نزدیکترین سال کامل به انجام این تحقیق را در بر گرفته است.

واحد تحلیل این بررسی را، «مضامین» ارزشی تشکیل دادند. از مجموع ۸۰۰۰ مضمون جمع‌آوری و استخراج شده، در بررسی نهایی ۶۳۷۱ مضمون پایا و معتبر انتخاب و مورد تحلیل واقع شده‌اند. از ضریب قابلیت اعتماد «ویلیام اسکات» برای سنجش پایایی واحدهای تحلیل استفاده شده است. لذا، حصول و احراز پایایی تحقیق در دو مرحله پیش‌آزمون و آزمون نهایی دنبال شده است. نتایج این آزمون برای مقوله‌های مختلف مورد سنجش و بین سه کدگذار، بین رقم ۸۸/۷ درصد تا ۹۴/۲ درصد حاصل شده و برای احراز اعتبار تحقیق نیز از اعتبار محتوا استفاده شده است. هر چند که نتایج حاصل از آزمون خوشه‌ای (آزمون تحلیل خوشه برای گروه‌بندی مقولات همگرا و ناهمگرای تحقیق) برای مرتبط بودن مقولات و زیر مقولات با یکدیگر، بر اعتبار محتوا صحه گذاشت و پشتوانه اعتباری تحقیق را افزون ساخت.

تعریف نظری مفاهیم

با عنایت به فرضیات تحقیق و مفاهیم مندرج در آن می توان به ساختن مقوله‌ها که در واقع متغیرهای تحقیق هستند، اقدام کرد. مفاهیم ذیل جهت تعریف نظری^۱ قابل بازشناسی است:

۱- ارزش^۲: ملاک‌هایی که برای ترجیحات خود در انتخاب‌های فردی و اجتماعی داریم. این انتخابها می‌توانند هم در گستره ذهنی و هم در گستره عینی و رفتارها حادث شوند. این ملاکها بر مطلوبیتها، علایق و خواسته‌ها دلالت می‌کنند. ارزش را مجموعه‌ای از پنداشتهای اساسی به آنچه پسندیده است نیز می‌دانند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهانها (کلیتها) در جامعه هستند. ارزشها را منبعی برای درک آرزوهای اصولی دانسته‌اند که هدایتگر جوامع، نهادها و افراد می‌باشند [Kabanoff, Holt به نقل از: Olsen 1991; Schwartz 1992; به نقل از: چلیبی ۱۳۷۵: ۶۰]. لازم به ذکر است که ارزش در ذات خود بر نوعی خواست، تقاضا و مطلوبیت و تقسیم بندی اصطلاحی آن به نوع مثبت و منفی هم در جای خود از نوعی خواست و بر نوعی مطلوبیت نهایی دلالت می‌نماید. بر این اساس، ارزشهای منفی نیز از نوعی تمایل، ولی با سمت و سویی متفاوت با ارزشهای مرتبط مثبت، حکایت می‌نمایند.

۲- جهت‌گیری (سویگری) ارزشی^۳: آشکارکننده ارزشها هستند که واسط میان کشگر و عینیت و واقعیات عینی قرار گرفته و راهنمای فعالیت او محسوب می‌شود [Kluckhohn 1961:7]. و یا نمادینه‌سازی یک مجموعه از پاسخهای الگودار و منظم فرهنگی به چالشهای اساسی که انسانها در هر زمان و مکان با آن روبه‌رویند و قادر است آنها را در سطح نظام فرهنگی مشخص و معین سازد. جهت‌گیری ارزشی، نظامی از ارزشهاست که می‌تواند به عنوان نمونه آشکار یک جامعه خاص تشخیص داده شود. آنها بر شناخت، انگیزه و رفتار افراد در موقعیتهای متفاوت موثرند [Kluckhohn 1961:7].

۲-۱- جهت‌گیری رابطه انسانها با خدا: در برگیرنده رابطه انسان با واقعیتی غایی، اقتداری متعالی و جوهر ربوبی به نام خداست. بر این اساس باورها و عباداتی که ناظر به موجود مقدس متعالی و الگوهای اجتماعی ارتباط با آن است، یک تعریف جوهری از دین محسوب می‌شود [Robertson 1970:47; Spiro 1960:96-98]. دین را گرایش شدید انسانها به سوی وجود والای خداوند

1. theoretical definiton
2. value
3. value- orientation

یا نیروهای برین و یا احساس ساده وابستگی به آنها، به منظور تبیین علل وجودی خویشتن در جهان و بازیابی معنایی برای هستی، دانسته و نتیجه گرفته شده که دین عبارت است از اعتقادات نسبت به این واقعیتها، اشکالی که به خود می گیرند، مناسک، کیشها و اعمال گوناگون مذهبی [بیرو ۱۳۷۵:۳۲۱]. یا دین را به عنوان یک نظام اعتقادی و عملی دارای لطف و رحمت که بدان وسیله گروهی از مردم می توانند از عهده حمل مسائل غایی حیات انسانی برآیند، تلقی کرده اند [Yinger 1970:7]. در تعالیم مسلمین، دین (الهی) را (مجموعه) عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی می دانند که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند [طباطبایی ۱۳۶۲:۱۶]. فرهنگ دینی نیز مجموعه ای از باورها و نمادها و ارزشهای ناشی از نمادها دانسته شده که تمایزی میان واقعیت تجربی، فوق تجربی و متعالی قائل می شود [Robertson به نقل از: Hamilton 1995: 5].

تعاریف عملیاتی مفاهیم^۱

قبل از انجام تعاریف عملیاتی لازم است که به مشخص کردن «واحد تحلیل»، ابعاد و نحوه بررسی آن در روزنامه ها پردازیم.

واحد تحلیل: واحد خبر (پیام)

یولت مورن، محقق فرانسوی با مشخص کردن حدود دقیق «واحد خبری»، خدمت مهمی به تجزیه و تحلیل محتوا کرده است. واحد خبری، واحد بنیادین بیان روزنامه را تشکیل می دهد و واحدی است که به طرز بسیار مقدماتی به پرسش «از چه سخن گفته می شود؟» پاسخ می دهد. این واحد برخلاف «واحد های حاوی» که شامل جمله، پاراگراف و مقاله است، یک «واحد محتوا» خالص است. واحد خبری یا محتوا با توجه به معنا و مفهوم کلام و نه ظاهر آن و به عبارت دیگر، مستقل از اشکال لغوی و دستوری نگارش، تفکیک می شود [متمد نژاد ۱۳۵۶: ۸۹-۹۰].

با ذکر این نکته که واحد تحلیل ما با واحد ثبت و شمارش برابر است باید اضافه نمود که واحد تحلیل یا شمارش در این بررسی همان مضمون است. مضمون، اظهار، خبر یا گزاره ای مربوط به مسندالیه است [دوورژه ۱۳۶۰:۱۲۲]. مضمون در فشرده ترین شکل خود، به یک جمله ساده

1. operational definition

(مسندالیه - مسند) وابسته است. به عبارت دیگر، مضمون آن است که درباره موضوع گفته شده است. مضمون، واحد معنی دار واقعی و کوچکترین جزء تجزیه و تحلیل محتوا را تشکیل می‌دهد. این واحد، پرارزترین واحدی است که محقق (در تجزیه و تحلیل مضمونی) در اختیار دارد. مضمون، اندازه فضایی مشخصی ندارد و الزاماً با جمله یا پاراگراف انطباق نمی‌یابد. لذا جمله‌ای واحد ممکن است حاوی چندین مضمون باشد و مقاله‌ای چندین پاراگرافی، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد [باردن ۱۳۷۵: ۱۲۰].

باعطف به مدل نظری تحقیق (الگوی برای بررسی جهت‌گیریهای ارزشی) و نظر به اینکه مضمون، واحد تحلیل ما را در این بررسی تشکیل می‌دهد، به جستجو و بررسی ارزش محوری رابطه انسان با خدا به همراه جهت‌گیری ارزشی مربوط به آن در مضامین روزنامه‌ها پرداخته‌ایم. با توجه به تعریف نظری و عملیاتی متغیر جهت‌گیری ارزشی و نقش و کارکرد آن، موافقت یا مخالفت با یک مضمون در بطن، محتوای درونی و در قالب جهت‌گیریهای مختلف ارزشی دیده شده است. در این تحقیق، به کارگیری تکنیک تحلیل ارزشیابی^۱ برای مقوله رابطه انسان با خدا و جهت‌گیریهای مختلف آن (به جهت ساخته شدن آن توسط محقق) به کار برده شده است. در این رابطه، ارزشهای منفی با واژه عدم... مشخص شده و ارزشهای مثبت چنین قیدی را ندارند. مانند: «عدم وجود و لزوم مناسک دینی» و «وجود و لزوم مناسک دینی»، که به ترتیب بر یک ارزش منفی و مثبت دلالت می‌کنند.

شدت جهت‌گیری یا بار ارزشی، نکته دیگر در تکنیک ارزشیابی است که از بقیه موارد ذهنی تر و آسیب‌پذیرتر به نظر می‌رسد. ریچارد بای مولف کتاب *تحلیل محتوای ارتباطات* در باره شدت می‌نویسد:

شدت در روشهای تحلیل محتوا بسیار مورد مباحثه قرار گرفته است. جهت، صرفاً معین می‌کند که محتوا یا نماد بیان‌کننده عقیده یا اظهار نظر موافقی یا مخالف یک فرد، گروه یا فعالیت است در حالی که شدت، عبارت است از درجه و قدرت عقیده مطرح شده... شدت تعیین می‌کند که آیا محتوا به طور ملایم با چیزی یا کسی موافق بوده یا به طور شدید [Budd 1967: 58] به نقل از: معتمدنژاد ۱۳۷۵: ۱۲۹].

نظر به اینکه در این بررسی بنا بر اهداف تحقیق از تکنیک تجزیه و تحلیل همگرایی یا احتمال وقوع استفاده شده و نیز نظر به آنکه، در بررسیهای مشابه قبلی در خصوص ارزشهای مندرج در مطبوعات (انقلاب اسلامی و انقلاب مشروطیت)، بنا بر محاسبات انجام شده، به اثبات رسیده: هر چیز که ارزش آن بیشتر تکرار شده، شدت ارزشگذاری آن بالاتر بوده است [محسنیان راد ۱۳۷۵: ۴۴۵].

و نتیجه گرفته شده است که تأکید بر شدت الزاماً با کسب نتایج بیشتر همراه نمی‌باشد، بررسی شدت، مورد پیدا نمی‌کند. لازم است ذکر شود، همان‌طور که نتیجه محاسبات مربوط به چهار ضریب همبستگی در تحقیقات پیشین و در خصوص روزنامه‌های دوران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد؛ هر گروه از ارزشهای مثبت و منفی که فراوانی بیشتری داشته‌اند، از شدت بیشتری نیز برخوردار بوده‌اند [محسنیان راد ۱۳۷۵: ۴۴۵].

در این بررسی، مضمون یا مضامین مورد جستجو در قالب و سبکهای «تفسیر و اظهار نظر»، «مقاله»، «گزارش»، «مصاحبه» و «ترجمه» مورد توجه قرار گرفته‌اند. «تفسیر» بیان قضاوتها و داوریه‌ها و عقاید افراد نسبت به رویدادها می‌باشد. به عبارت دیگر تفسیر، مظهر قضاوت و عقاید افراد درباره وقایع اجتماعی است. در تفسیر بر عکس خبر که شامل جنبه‌های عینی وقایع است، به اظهار نظر اشخاص و بررسی و ارزیابی قضاوت عمومی توجه می‌شود [معمدنژاد ۱۳۵۸: ۲۷]. «مصاحبه» یکی از انواع خبرگیری مستقیم است که به وسیله آن عقاید و افکار شخصیت‌های مهم جامعه، یا نظرهای مردم عادی کوچه و بازار درباره موضوعات مختلف بویژه مسائل روز به دست می‌آید [معمدنژاد ۱۳۵۸: ۱۸۷]. به عبارت دیگر، روزنامه‌نگاران برای نقل گفته‌ها و نظریات دیگران در مورد وقایع و مسائل اجتماعی، از مصاحبه استفاده می‌کنند. مهمترین نوع مصاحبه، مصاحبه مستند در باره وقایع و حوادث (مصاحبه با شهود، مصاحبه برای کسب خبر، مصاحبه با مقامات دولتی و...) و مصاحبه تشریحی و تفسیری برای کسب عقاید دیگران است [معمدنژاد ۱۳۵۶: ۲۱۵].

«گزارش» یا رپورتاژ که بر دو نوع توصیفی و تحقیقی است، به توصیف و توضیح واقعه و تحقیق عمقی مسائل آن توجه دارد. در گزارش تحقیقی یا آنکت تنها به تشریح و توصیف صحنه و محیط وقوع حوادث پرداخته نمی‌شود بلکه بیشتر به علل پدید آمدن وقایع و یا دلایل پیدا شدن مسائل اجتماعی توجه دارد. در اصطلاح روزنامه‌نگاری می‌گویند رپورتاژ (توصیفی) نشان می‌دهد در صورتی که آنکت (تحقیقی) اثبات می‌کند [معمدنژاد ۱۳۵۸: ۲۶۲، ۲۶۳]. به عبارت دیگر، تحقیق و بررسی درباره مسائل اجتماعی و علل وقایع، در یک نوع مطالب خاص مطبوعاتی به نام آنکت

منعکس می‌شود. در آنکت، روزنامه‌نگار کارهای مطالعه و رپورتاژ نویسی و مصاحبه را با هم انجام می‌دهد و مجموعه بررسیهای خود را به صورت یک مقاله تحقیقی در اختیار خوانندگان می‌گذارد. اما برخلاف رپورتاژ که جنبه توصیفی و تشریحی دارد، آنکت دارای جنبه استدلالی و اثباتی است [معمد نژاد ۱۳۵۶: ۲۱۵].

مقالات برای تفسیر اخبار یا تشریح افکار به کار می‌روند و برعکس اعلام و بیان خبر که به طور عینی یعنی بدون نظر شخص روزنامه‌نگار نوشته می‌شود، عقیده شخصی نویسنده نیز مطرح است. در این جاست که نویسنده می‌تواند وظیفه هدایت و ارشاد خوانندگان را به عهده بگیرد و با تفسیر شخصی به هنگام انتشار افکار عمومی، این افکار را رهبری نماید و میدانی برای برخورد افکار و عقاید به وجود آورد [معمد نژاد ۱۳۵۶: ۲۱۵].

در این پژوهش، مقالات در هر دو نوع کلی آن (تفسیری و انتقادی) مورد بررسی قرار می‌گیرند. از بین انواع مقالات تفسیری، کرسی آزاد از آنجا که بیشتر از بقیه، مظهر افکار عمومی بوده و الزاماً خط مشی سیاسی روزنامه را دربر ندارد، مورد توجه قرار گرفته است. کرسی، تریبون یا عقاید آزاد، مقالاتی را شامل می‌شوند که کاملاً موافق خط مشی روزنامه نبوده یا مقالاتی هستند که روزنامه نمی‌خواهد مسئولیت آنها را به عهده بگیرد و برخلاف سر مقاله که زبان سیاسی روزنامه است، این وضعیت را ندارند [معمد نژاد ۱۳۵۶: ۲۲۱]. در صفحات اجتماعی و هنری بعضی روزنامه‌ها در موارد مختلف، مقالات انتقادی درج می‌شوند. انتقادهای اجتماعی که تحت عناوین مسائل مردم، یک شهر و صد مشکل، شهرها و نکته‌ها، پشت چراغ قرمز و امثال آنها در روزنامه‌های ایران چاپ می‌شوند، از این نوع مقالات به شمار می‌روند. انتقادهای هنری (بررسی فیلم و تئاتر) و انتقاد کتاب نیز از این قبیل می‌باشند. از مقالات مختلط که هر دو جنبه تفسیر و خبر را توأم دارا بوده و چه بسا، انتقاد، هجو، خبر و تمسخر را با هم به صورت آمیخته داشته باشند (از جمله ستون از گل ناز کتر کیهان)، در جای خود استفاده شده است [معمد نژاد ۱۳۵۶: ۲۲۳].

در خصوص صفحه محل چاپ مطالب نیز باید اذعان داشت که صفحه اول روزنامه، بدون شک بهترین و برترین صفحه برای درج اخبار و مطالب دیگر است. اما در این باره که پس از صفحه اول، بهترین صفحه روزنامه کدام است، همیشه اتفاق نظر وجود ندارد. به نظر می‌رسد که در خصوص برتری صفحات اختصاصی روزنامه می‌بایست تحقیقات علمی درباره عادات روزنامه‌خوانی صورت پذیرد [معمد نژاد ۱۳۵۶: ۳۱۵-۳۱۴].

زیرمقاله محور ارزشی دینداری (رابطه انسان با خدا)

دینداری را می‌توان در سه بعد «باورها، اعتقادات یا اصول دین» (مثل اعتقاد به وجود خداوند و توحید)، «اخلاقیات و ارزشها یا فروع دین» یعنی تعیین خوب از بد، حلال از حرام (که تعیین‌کننده شیوه زندگی است) و حرکات و اعمال و مناسک و مراسم و چگونگی انجام آن و یا «احکام دینی» در نظر گرفت [علامه طباطبایی ۱۳۶۲: ۱۶؛ علامه جعفری ۱۳۵۷: ۱۷۲]. لذا می‌توان سه بعد «اعتقادی»، «ارزشی» (پیامدی) و «مناسکی» (اعمالی) را برای دینداری (مسلمین) در نظر گرفت. این ابعاد با طبقه‌بندی گلاک و استارک از دینداری نیز همخوانی دارد و می‌توان دو بعد «عاطفی» و دانش دینی مورد نظر آنان را برای دقت بیشتر بدان افزود [Glock & Stark 1968:20-21 به نقل از: انوری ۱۳۷۳: ۱۵۳]. مرحوم علامه محمد تقی جعفری این تقسیم‌بندی را یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی می‌داند که در زمینه دینداری انجام شده است و توجه به آن را برای محققان، ضرورت درجه اول دانسته‌اند [ویلیم ۱۳۷۷: ۸۱]. تعریف این ابعاد پنجگانه به قرار زیر است:

۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی: نوعی ادراک برخاسته از معرفت دینی که به معتقدین بینش خاصی نسبت به حقایق اصول دینی ارائه می‌دهد. در واقع بعد اعتقادی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند. با انطباق مدل گلاک و استارک، اصول دین را می‌توان با باورهای دینی منطبق دانست که عبارتند از: اعتقاد به خدا و یگانگی آن، نبوت حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین پیامبر خدا، اعتقاد به معاد روز قیامت، اعتقاد به عادل بودن خدا و اعتقاد به دوازده امام معصوم به عنوان جانشینان بر حق پیامبر (ص) (به عنوان اعتقاد خاص شیعیان). در بررسی روزنامه‌ها، اعتقاد و باور مردم ایران به این اصول مورد توجه، پیگیری و بازشناسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، تعریف عملیاتی این متغیر (مقاله) در قالب عناوین ذیل قابل طرح است: (واحدهای شمارشی که ظاهراً و مضموناً دال بر تصدیق و ایمان به خدا و دین، یکی بودن خدا، عادل بودن خدا، اعتقاد به قیامت، اعتقاد به فرستاده خدا بودن پیامبر، و اعتقاد به دوازده امام معصوم، دلالت داشته باشند در این زیر-مقاله قرار گرفته‌اند).

الف. ایمان به خدا و دین خدا (لزوم تحکیم رابطه ایمان به خدا، اعتقاد به بودن یا نبودن به خدا و ...). مثال: روزنامه ایران ۱۷ مهر ۱۳۸۱: «همه عالم هستی محضر خداست».

- ب. وحدانیت خداوند (اعتقاد به یکی بودن خدا و شریک قائل نشدن برای او). مثال: روزنامه *اطلاعات* ۱۶ اسفند ۱۳۵۵: «ما مسلمانان به یکتا پرستی و وحدت ربانی مفتخریم».
- ج. عدل الهی (اعتقاد به عادل بودن یا نبودن خداوند، لزوم پایبندی به عادل بودن خداوند و...) مثال: روزنامه *اطلاعات* ۱۲ تیر ۱۳۶۸: «مضمون دین عدالت است». و یا روزنامه *ایران* ۱۴ آذر ۱۳۷۸: «قضای الهی بر پایه عدالت جاری می‌شو».
- د. اعتقاد به معاد (اعتقاد و لزوم پایبندی به روز جزا، آخرت، قیامت و...) مثال: روزنامه *ایران* ۱۱ مهر ۱۳۸۱: «کیفر و پاداش انسان در جهان بعد از مرگ داده می‌شو».
- ه. اعتقاد به نبوت (اعتقاد به فرستاده بودن پیامبر خاتم حضرت محمد^(ص) از سوی خداوند برای راهنمایی انسانها). مثال: روزنامه *ایران* ۱۱ مهر ۱۳۸۱: «نبوت و ارسال پیامبر برای ارشاد و هدایت انسانها در تأمین سعادت دنیوی و اخروی ضرورت دارد».
- و. اعتقاد به امامت (اعتقاد به جانشین پیامبر بودن دوازده امام معصوم^(ع) که بعد از او راهنمایی مؤمنین را بر عهده داشته‌اند). مثال: روزنامه *ایران* سال ۱۳۸۱: «امام باقر^(ع) مسئولیت امامت امت و استحکام پیوندهای اسلام با کانون وحی و سنت رسول خدا را به عهده گرفتند».
- ۲- بعد پیامدی (ارزشها و هنجارهای دینی): ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. طبق دین اسلام، معیارهای ارزشی و رفتاری فراوانی وجود دارد که یک مسلمان باید در زندگی روزمره جلداً آنها را رعایت کند. این بعد بر خلاف ابعاد دیگر که صرفاً ناظر بر اعتقادات یا اعمال بود، بر اثرات آنها بر جامعه و افراد دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، پیامدهای اعتقادی و رفتاری دینداران را در جامعه و افراد مورد بررسی قرار می‌دهد. پیامدها و اثرات اعتقاد به دین اسلام در قالب عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است: (کلیه واحدهای شمارشی که ظاهراً و مضموناً دال بر تأثیر دین بر زندگی روزمره باشند، در این زیر مقوله قرار گرفته‌اند).
- الف. لزوم پیروی از دستورات، تعالیم و قوانین دین. مثال: روزنامه *ایران* ۳۰ فروردین ۱۳۷۸: «خاصیت انسان مؤمن با هدف، دخالت اراده خود در زندگی خویش است». یا روزنامه *اطلاعات* ۱۲ بهمن ۱۳۶۸: «نیرومندترین عامل پیروزی مردم ما بر مشکلات گوناگون، بعد معنوی مبارزات آنان و اتکایشان به نیروی لایزال الهی بو».
- ب. رعایت فریضه امر به معروف و نهی از منکر. مثال: روزنامه *کیهان* ۲۰ آذر ماه ۱۳۷۸: «امر به معروف و نهی از منکر اصل تنظیم‌کننده حرکت جامعه در صراط مستقیم اسلام است».

- ج. حرمت ربا خواری. مثال: روزنامه *کیهان* ۱۷ آذر ۱۳۸۱: «حرمت ربا به منزله جنگ با خداست».
- د. لزوم تشکیل حکومت اسلامی. مثال: روزنامه *اطلاعات* ۲۳ مرداد ۱۳۶۸: «مسأله اسلام که حکومت است در زمان امام حسین در خطر قرار گرفته بو».
- ه. لزوم دوستی با مؤمنین. مثال: روزنامه *اطلاعات* ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۵: «همکاری، تأمین اتحاد و اتفاق کلمه بین سه کشور مسلمان در سایه شعائر و تعالیم اسلام توصیه و تأکید شده است».
- و. لزوم مبارزه با دشمنان اسلام. مثال: روزنامه *کیهان* ۲۰ دیماه ۱۳۵۸: «جنگ میان اسلام و کفر واقعی است) و یا همان: (مبارزه ایران و آمریکا، مبارزه اسلام و کفر است».
- ز. لزوم رعایت حجاب اسلامی (خاصه برای بانوان). مثال: روزنامه *کیهان* ۲۰ دیماه ۱۳۵۸: «پدیده بدحجابی در جامعه اسلامی زیننده نیست».
- ح. لزوم پرهیز از مصرف گوشت خوک.
- ط. لزوم پرهیز از مصرف مشروبات الکلی. مثال: روزنامه *ایران* ۲۳ دیماه ۱۳۸۱: «حرمت لهو و مسکرات برای حفظ عقل تشریح شده است».
- ی. لزوم پرداخت خمس.
- ک. لزوم پرداخت زکات.
۳. بعد مناسکی (اعمال دینی): اعمال و شعائر دینی، مراسم، آداب و رسوم مشخصی که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را بجا آورند. این بعد، از آنجا که ناظر بر انجام یک سلسله آداب، اعمال و تشریفات عمدتاً بیرونی برای انجام یک عمل غالباً جمعی است، در قالب اعمال مناسکی نامگذاری گردیده است. مناسک دینی، ناظر بر یک زمان و مکان خاص پیش‌بینی شده‌اند. از سوی دیگر، هم شامل مناسک واجب و هم شامل مناسک مستحب می‌شوند لذا هسته مرکزی اعمال و مناسک مورد توجه و نظارت قرار می‌گیرد. مثلاً، نماز را که در تعالیم دینی جایگاه رفیعی دارد (معراج مؤمن است)، در هر دو شکل واجب و مستحب آن دربرمی‌گیرد. لازم است ذکر شود که در بررسیهای پیمایشی مربوط به سنجش ابعاد دینداری در ایران نیز از همین بعد استفاده شده است. به عبارت دیگر، تعریف عملیاتی بعد مناسکی در قالب عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است: (واحد‌های شمارشی که ظاهراً و مضموناً دال بر برپایی اعمال و مناسک دینی باشند، دراین زیر- مقوله قرار می‌گیرند).

الف. نماز‌گزاری (نماز خواندن به صورت فردی و به صورت نماز جمعه یا جماعت). مثال: روزنامه *کیهان* ۶ مرداد ۱۳۵۸: «نماز جمعه یکی از واجبات و فرایض مهم اسلام است». و یا *همشهری* ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۸: «شرکت در مسجد برای نماز عامل تقویت ایمان است».

ب. روزه گرفتن. مثال: روزنامه *اطلاعات* ۲۴ آذر ۱۳۴۵: «روزه بر مسلمانان تکلیف است». ج. حج‌گزاری. مثال: روزنامه *ایران* ۲۶ دیماه ۱۳۸۱: «فریضه حج، نماد اتحاد دلها، فکرها و جسمهای مسلمانان در اعتصام به ریسمان الهی است».

د. شرکت و برپایی اعیاد مذهبی و عزاداریها (عید فطر، قربان، غدیر و... عزاداری امام حسین در روز عاشورا، تاسوعا و...). مثال: روزنامه *همشهری* ۲ اردیبهشت ۱۳۷۸: «تغزیه ریشه مذهبی دارد و نمایش آئینی است و از عزاداریها شروع شده و به روضه خوانیها، دسته گردانی و سینه زنی رسیده است».

۴- بعد عاطفی (تجربه دینی): ناظر بر عواطف و احساسات مربوط به داشتن رابطه با یک شعور برتر، اقتداری متعالی و نقطه آمال و غایت عظمای انسان است. ترس از خداوند، توبه، اشتیاق و امید به خدا، نمونه‌ای از چنین احساس عاطفی هستند. این بعد از آن حیث که نوعی تجربه احساسی را در برمی گیرد با بعد اعتقادی که مقوله‌ای ذهنی، شناختی و غیر احساسی است، متفاوت می‌شود. به عبارت دیگر، تعاریف عملیاتی بعد عاطفی دین در قالب عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است: (کلیه واحدهای شمارشی که ظاهراً و مضموناً بر نوعی رابطه احساسی و عاطفی با خدا و دین خدا دلالت نمایند، در این زیر-مقوله قرار می‌گیرند).

الف. خدا (دین اسلام) مظهر رحمت و لطف. مثال: روزنامه *ایران* ۵ شهریور ۱۳۸۱: «باید رحمت رحیمه خدا را به قلب خود چشانی».

ب. عشق به خدا و دین خدا. مثال: روزنامه *اطلاعات* ۲۴ فروردین ۱۳۸۱: «آرمانهای والا و ارزشهای انسانی تنها از چشمه عشق الهی سیراب خواهد شد».

ج. ترس از خدا.

د. امید به خدا. مثال: روزنامه *کیهان* ۲۴ بهمن ۱۳۶۸: «نباید مأیوس شد که یاس از اقبال بزرگ است».

ه. تقرب و نزدیکی به خدا. مثال: روزنامه *کیهان* ۲۴ بهمن ۱۳۶۸: «جوانان به افق ملکوت نزدیکترنا».

و. توبه از گناهان. مثال: روزنامه همشهری ۱۳ مهر ۱۳۷۸: «ابراز احساس گناه، بهانه‌ای برای طلب عفو و بخشش و ابراز تأسف از وضع موجود است». و یا کیهان ۹ مهر ۱۳۸۱: «جامعه جهانی در حال توبه جمعی و بازگشت به معنویت حقیقی است».

ز. لزوم برخورداری از صفات اخلاقی (گذشت، فداکاری، ایثار و ...). مثال: روزنامه ایران ۲۳ دیماه ۱۳۸۱: «جامعه مطلوب با عادات نیکو و مکارم اخلاق و آداب و ذوق سلیم امکان‌پذیر است».

۵. بعد دانشی (فکری): شامل اطلاعات و دانسته‌های مبنایی و لازم در مورد اعتقادات دینی است که باید مورد اطلاع پیروان دین باشد. اطلاع از دانستیهای مربوط به علوم اسلامی، عبادات اسلامی، سنتهای دینی، تاریخ اسلام و ... از آن جمله تلقی می‌شود. این بعد جنبه اطلاع‌رسانی دینی دارد. روزنامه‌ها، گاه با آوردن مقالات و عبارات آموزشی در خصوص تاریخ اسلام و یا روشهای صحیح عبادات، کارکرد اطلاع‌رسانی و آموزش دانش دینی را به انجام می‌رسانند. به عبارت دیگر، تعاریف عملیاتی بعد دانشی در قالب عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است: (واحد‌های شمارشی که ظاهراً و مضموناً بر دانش دینی و دانستیهای مذهبی دلالت کنند، در این زیر مقوله قرار گرفته‌اند). الف. دانستیهای مربوط به تاریخ اسلام (تاریخ تولد، شهادت، جنگهای پیامبر و ائمه با کفار و دشمنان اسلام و ...). مثال: روزنامه ایران ۱۸ شهریور ۱۳۸۱: «امام محمد باقر^(ع) در خانه امام سجاد^(ع) در ماه رجب سال ۵۶ به دنیا آمد». یا روزنامه اطلاعات ۲۴ آذر ۱۳۴۵: «جنگ بدر در ماه رمضان به وقوع پیوسته است».

ب. دانستیهای مربوط به عبادات اسلامی (ثواب قرآن خواندن و ...). مثال: روزنامه ایران ۱۸ شهریور ۱۳۸۱: «ماه مبارک رجب، ماه عبادت است».

ج. دانستیهای مربوط به علوم اسلامی (کلام، فلسفه، فقه و ...). مثال: روزنامه ایران ۱۱ مهر ۱۳۸۱ ایران: «عقل به عنوان یکی از مبانی استنباط احکام در خدمت علوم دینی است».

محورهای فرعی و دسته‌بندی مدل تحقیق: بنابر آنچه تا کنون مطرح شد، مدل پنج بعدی دینداری، به ترتیب در قالب سنجه‌های ذیل تقسیم‌بندی شده‌اند که عبارتند از:

۱-۱. ایمان و اعتقاد به خدا و دین؛

۱-۲. عدم وجود و الزام به ایمان و اعتقاد به خدا و دین؛

۱-۳. اعتقاد به اصول دین؛

- ۱-۴- عدم اعتقاد به اصول دین؛
 ۱-۵- وجود و لزوم انجام مناسک دینی؛
 ۱-۶- عدم وجود و لزوم انجام مناسک دینی؛
 ۱-۷- تأثیر دین بر زندگی روزمره/ وجود زندگی دینی؛
 ۱-۸- عدم تأثیر دین بر زندگی روزمره/ عدم وجود زندگی دینی؛
 ۱-۹- وجود احساسات و عواطف دینی؛
 ۱-۱۰- عدم وجود احساسات و عواطف دینی؛
 ۱-۱۱- وجود دانستیها و دانش دینی؛
 ۱-۱۲- عدم وجود دانستیها و دانش دینی.

یافته‌های توصیفی تحقیق

در این قسمت درصد بیان یافته‌های توصیفی تحقیق هستیم. هر یک از پنج بعد دینداری به همراه سنجه‌های فرعی خود در دو وضعیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی گزارش شده‌اند. جدول شماره یک، نشان‌دهنده این مطلب است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی مضامین ارزشی مرتبط به رابطه انسان با خدا و جهت‌گیریهای منشعب در قبل و بعد از انقلاب اسلامی

جمع	بعد از انقلاب	قبل از انقلاب	مقاطع زمانی	
			جهت‌گیریهای ارزش	
۱۸۶	۱۳۴	۵۲	تعداد	۱- بعد اعتقادی:
۱۰۰	۷۲	۲۷/۹	درصد سطری	ایمان و اعتقاد به خدا و دین (+)
۱۶/۲	۶/۸	۹/۴	درصد ستونی	
۳۳	۱۵	۱۸	تعداد	عدم ایمان و اعتقاد به خدا و دین (-)
۱۰۰	۴۵/۵	۵۴/۵	درصد سطری	
۴/۱	۰/۸	۳/۳	درصد ستونی	
۲۲۲	۱۳۷	۸۵	تعداد	اعتقاد به اصول دین (+)
۱۰۰	۶۱/۷	۳۸/۳	درصد سطری	
۲۳/۴	۷	۱۵/۴	درصد ستونی	
۱۰	۷	۳	تعداد	عدم اعتقاد به اصول دین (-)
۱۰۰	۷۰	۳۰	درصد سطری	
۰/۹	۰/۴	۰/۵	درصد ستونی	

۱۵۵	۱۰۴	۵۱	تعداد	۲- بعد مناسکی :
۱۰۰	۶۷/۱	۳۲/۹	درصد سطری	وجود و لزوم انجام مناسک دینی (+)
۱۴/۶	۵/۳	۹/۳	درصد ستونی	
۲	۲	۰	تعداد	عدم وجود و لزوم انجام مناسک دینی (-)
۱۰۰	۱۰۰	۰	درصد سطری	
۰/۱	۰/۱	۰	درصد ستونی	
۸۷۱	۷۵۴	۱۱۷	تعداد	۳- بعد پیامدی :
۱۰۰	۸۶/۶	۱۳/۴	درصد سطری	تأثیر دین بر زندگی روزمره (+)
۵۹/۸	۳۸/۵	۲۱/۳	درصد ستونی	
۱۴۶	۷۷	۶۹	تعداد	عدم تأثیر دین بر زندگی روزمره (-)
۱۰۰	۵۲/۷	۴۷/۳	درصد سطری	
۱۶/۴	۳/۹	۱۲/۵	درصد ستونی	
۲۳۸	۲۰۴	۳۴	تعداد	۴- بعد عاطفی :
۱۰۰	۸۵/۷	۱۴/۳	درصد سطری	وجود احساسات و عواطف دینی (+)
۱۶/۶	۱۰/۴	۶/۲	درصد ستونی	
۶۴	۵۱	۱۳	تعداد	عدم وجود احساسات و عواطف دینی (-)
۱۰۰	۷۹/۷	۲۰/۳	درصد سطری	
۲/۸	۲/۶	۲/۴	درصد ستونی	
۴۰۳	۳۲۵	۷۸	تعداد	۵- بعد دانشی (فکری) :
۱۰۰	۸۰/۶	۱۹/۴	درصد سطری	وجود دانستی‌ها و دانش دینی (+)
۳۰/۸	۱۶/۶	۱۴/۲	درصد ستونی	
۸۳	۵۴	۲۹	تعداد	عدم وجود دانستی‌ها و دانش دینی (-)
۱۰۰	۶۵	۳۵	درصد سطری	
۸/۱	۲/۸	۵/۳	درصد ستونی	
۹۴	۹۳	۱	تعداد	سایر
۱۰۰	۹۸/۹	۱/۱	درصد سطری	
۵	۴/۸	۰/۲	درصد ستونی	
۲۵۰۷	۱۹۵۷	۵۵۰	تعداد	جمع
۱۰۰	۷۸	۲۲	درصد سطری	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	

توزیع فراوانی مندرج در جدول نشان‌دهنده آن است که مضامین ارزشی مرتبط به رابطه انسان با خدا (مطابق با مباحث نظری) به پنج بعد عمده اعتقادی، مناسکی، پیامدی، عاطفی و دانشی قابل تقسیم است که در هر بعد ارزشی شاهد گریه‌های مثبت و منفی مربوطه هستیم که با علامت

+ و - مشخص شده‌اند، به لحاظ توصیفی باید گفت که در بعد اعتقادی، مضامینی که بر وجوه ارزشی دلالت داشته‌اند (ایمان و اعتقاد به خدا و دین و اعتقاد به اصول دین) بعد از انقلاب اسلامی افزایش یافته‌اند. همچنین در این بعد مضامینی که بر وجوه منفی ارزشی دلالت داشته‌اند در مورد عدم ایمان و اعتقاد به خدا و دین کاهش یافته ولی در مورد عدم اعتقاد به اصول دین از افزایش نسبی برخوردار بوده است (از ۳ مضمون به ۷ مضمون). توجه به افزایش مقاطع و کثرت روزنامه‌های بعد از انقلاب در این باره قابل ملاحظه است. از سوی دیگر، نزدیک به ۲۹ درصد کل ابعاد پنجگانه مرتبط با رابطه انسان با خدا در مقطع قبل از انقلاب اسلامی را بعد اعتقادی به خود اختصاص داده است. این رقم بعد از انقلاب اسلامی به ۱۵ درصد می‌رسد. کاهش این بعد همراه با افزایش بعد دیگر دینداری (بعد پیامدی) قابل توضیح است که در جای خود به آن اشاره می‌نمایم. در میان جهت‌گیریهای مختلف بعد اعتقادی، اعتقاد به اصول دین و عدم اعتقاد به اصول دین در هر دو مقطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی به ترتیب بیشترین و کمترین سهم از کل ابعاد دینداری را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل ذکر آن است که حداقل در دین اسلام و به طور ماهوی نمی‌توان اعتقاد به اصول دین را از اعتقاد به خدا و دین جدا دانست و تفکیک نمود و فرد معتقد به معاد، نبوت، امامت و عدل را نمی‌توان بی اعتقاد به خدا و دین او تلقی کرد و بهتر است به جای جداسازی این دو بعد در پیمایشهای دینداری (کشورهای مسلمان)، آنها را در هم ادغام نمود.

در بعد مناسکی رابطه انسان با خدا نیز شاهد افزایش نسبی مضامین مثبت ارزشی از حدود ۳۳٪ درصد قبل از انقلاب به ۶۷٪ بعد از انقلاب می‌باشیم. سهم مضامین مثبت بعد مناسکی (وجود و لزوم انجام مناسک دینی) از کل ابعاد پنجگانه دینداری از ۹/۳ درصد قبل از انقلاب به ۵/۳ درصد بعد از انقلاب کاهش نموده است. به عبارت دیگر، مضامین ارزشی مندرج در روزنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی در بعد مناسک دینداری و یا تأکید بر وجود و لزوم انجام مناسک دینی همچون نماز و روزه و حج نسبت به قبل از انقلاب بیشتر شده است ولی نسبت به سایر ابعاد دینداری کاهش پیدا کرده‌اند. مضامین منفی بعد مناسکی (عدم وجود و لزوم انجام مناسک دینی) نیز از صفر مضمون قبل از انقلاب به ۲ مضمون بعد از انقلاب (۰/۱ درصد) افزایش یافته است. توجه به افزایش مقاطع مورد بررسی و کثرت روزنامه بعد از انقلاب اسلامی، این افزایش اندک را بلااثر می‌نمایاند. به هر حال بهتر است برای توضیح این روند کاهشی و یا افزایشی سایر ابعاد نیز مورد ملاحظه قرار گیرند.

در بعد پیامدی رابطه انسان با خدا نیز شاهد افزایش بسیار مضامین مثبت ارزشی این بعد از ۱۳/۴ درصد قبل از انقلاب به ۸۶/۶ درصد بعد از انقلاب هستیم. مضامین مثبت ارزشی بُعد پیامدی (تأثیر دین بر زندگی روزمره) از رشد بیش از ۶ برابر در مقطع زمانی بعد از انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. مضامین ارزشی منفی بعد پیامدی (عدم تأثیر دین بر زندگی روزمره) نیز از ۶۹ مضمون قبل از انقلاب (و ۴۷/۳ درصد) به ۷۷ مضمون (و ۵۲/۷ درصد) افزایش یافته‌اند که نسبت به مضامین مثبت ارزشی رشد بسیار اندکی (یک برابر) داشته‌اند. سهم بُعد پیامدی دینداری نسبت به سایر ابعاد پنجگانه دینداری از ۳۳/۸ درصد قبل از انقلاب به ۴۲/۴ درصد بعد از انقلاب افزایش یافته است. یعنی اعتقاد به تأثیر دین بر زندگی روزمره و مضامینی که بر این امر دلالت داشته‌اند نسبت به سایر ابعاد دینداری از جمله بُعد مناسکی و اعتقادی صرف، افزایش چشمگیری یافته است. این امر به نوبه خود می‌تواند بر برداشت عمیقتر از دین حکایت کند. برداشتی که از لایه‌های سطحی دینداری یعنی انجام آداب دینی و اعتقادات صوری دینی به سمت کاربرد عملی دین در زندگی روزمره معطوف شده است.

در بُعد عاطفی رابطه انسان با خدا نیز شاهد افزایش بسیار مضامین ارزشی مثبت و منفی هستیم. به طوری که وجوه مثبت ارزشی بعد عاطفی (وجود و لزوم احساسات و عواطف دینی) از ۱۴/۳ درصد قبل از انقلاب به ۸۵/۷ درصد بعد از انقلاب رسیده‌اند و یک رشد ۶ برابر را تجربه کرده‌اند. مضامین ارزشی منفی نیز که بر عدم وجود یا لزوم احساسات دینی تأکید داشته‌اند از ۱۳ مضمون (با ۲۰/۳ درصد) قبل از انقلاب به ۵۱ مضمون (با ۷۹/۷ درصد) بعد از انقلاب رسیده‌اند و رشدی ۳/۹ برابر را تجربه کرده‌اند. سهم بُعد عاطفی دینداری نسبت به سایر ابعاد پنجگانه دینداری از ۸/۶ درصد قبل از انقلاب به ۱۳ درصد بعد از انقلاب افزایش یافته و ۱/۵ برابر رشد برخوردار بوده است. به هر حال، مضامین ارزشی که بر احساسات و عواطف دینی در روزنامه‌ها تأکید داشتند، بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده‌اند.

در بُعد دانشی (فکری) رابطه انسان با خدا نیز شاهد افزایش چشمگیر مضامین ارزشی مرتبط هستیم. به طوری که مضامین ارزشی مثبت که بر وجود آگاهی و دانش دینی و لزوم کسب آن دلالت داشته‌اند از ۱۹/۴ درصد قبل از انقلاب به ۸۰/۶ درصد بعد از انقلاب افزایش یافته‌اند و رشد بیش از چهار برابر را تجربه کرده‌اند. مضامین ارزشی منفی نیز که بر عدم وجود دانستنی‌ها و دانش دینی و لزوم کسب آن دلالت داشته‌اند، رشد ۱/۸ برابر را تجربه کرده‌اند و از ۲۹ مضمون (با ۳۵

درصد) قبل از انقلاب به ۵۴ مضمون (با ۶۵ درصد) بعد از انقلاب بالغ گشته‌اند. سهم بُعد دانشی از کل ابعاد پنجگانه دینداری نیز از ۱۹/۵ درصد قبل از انقلاب به ۱۹/۴ درصد بعد از انقلاب اسلامی رسیده است.

در نهایت، باید اذعان نمود که به لحاظ توصیفی، سهم ابعاد پنجگانه دینداری و به عبارت دیگر، کل مضامین ارزشی دلالت کننده بر رابطه انسان با خدا از ۲۲ درصد قبل از انقلاب اسلامی به ۷۸ درصد بعد از انقلاب اسلامی بالغ شده است. لذا، بنابر نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فراوانی کل مضامین ارزشی دلالت کننده بر رابطه انسان با خدا بعد از انقلاب، از رشد بیش از ۳/۵ برابر برخوردار بوده‌اند. این رشد در هر یک از ابعاد پیامدی، دانشی از رشد ۱ تا ۶ برابر در نوسان بوده است و در ابعاد مناسکی و اعتقادی نیز بعد از انقلاب اسلامی از افزایش نسبی برخوردار بوده ولی سهم این دو بُعد دینداری نسبت به سه بعد دیگر دینداری (پیامدی، دانشی و عاطفی) بعد از انقلاب کاهش یافته و ابعاد اخیر، به طور عمده از افزایش نسبتاً چشمگیری برخوردار بوده‌اند. به هر حال، بعد از انقلاب اسلامی، مضامین مثبت ارزشی رابطه انسان با خدا در همه عرصه‌ها و در همه ابعاد، در روزنامه‌ها بیشتر شده که به نوبه خود بر اهمیت این ارزشها و نقش آنها در حیات انقلاب اسلامی و خوراک فکری روزنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی دلالت دارد. از سوی دیگر، رشد ابعاد پیامدی، دانشی، دینداری نسبت به ابعاد مناسکی و اعتقادی نیز نشان‌دهنده اعتقاد به تأثیر عمیقتر دین بر زندگی روزمره مسلمین، نقش دانش و اطلاع‌رسانی دینی و لزوم کسب علوم و معارف دینی و کاربرد توأم احساسات و عواطف دینی است. به عبارت دیگر، تأکید بر جنبه‌های صوری دینی در حد انجام مناسک و آداب دینی همچون حج، نماز و روزه و اعتقادات لسانی جای خود به اعتقاد مبتنی بر کاربردی بودن دین در زندگی اجتماعی و لزوم توجه به نقش و تأثیر عمیقتر آن در حیات مسلمین داده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه شماره یک، مبتنی بر وجود تفاوت معنی‌دار آماری در متغیر «رابطه انسان با خدا» در مقطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی است.

جدول شماره ۲: آزمون t برای تفاوت نسبت‌های مربوطه به ارزش دینی رابطه انسان با خدا به صورت کلی و نیز ارزشهای مثبت و منفی این متغیر

مقارعات زمانی نوع ارزش	قبل از انقلاب		بعد از انقلاب		t	انحراف معیار	معناداری
	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت			
رابطه انسان با خدا	۵۴۹	۰/۳۳۵	۱۸۶۴	۰/۳۹۴	N/۴۵	۰/۰۰۷۰	۰/۰۰۰
مجموع ارزشهای مثبت رابطه انسان با خدا (بعد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی و دانشی یا فکری)	۴۱۷	۰/۲۵۴	۱۶۵۸	۰/۳۵۱	۴/۳	۰/۰۲۲۵	۰/۰۰۰
مجموع ارزشهای منفی رابطه انسان با خدا (بعد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی و دانشی یا فکری)	۱۳۲	۰/۰۸۰	۲۰۶	۰/۰۴۴	۴/۲۳	۰/۰۰۸۵	۰/۰۰۰

×درجه آزادی بینهایت

در مورد ارزش دینی رابطه انسان با خدا و تفاوت نسبت‌های مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این متغیر با مقدار $t = N/۴۵$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی داری $p = ۰/۰۰۰$ ، با ۹۹ درصد اطمینان از تفاوت معنی‌دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار $۰/۳۹۴$ برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار $۰/۳۳۵$ برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع بعد از انقلاب اذعان کرد. به عبارت دیگر، ارزشهایی که بر رابطه انسان با خدا دلالت داشته‌اند، بعد از انقلاب اسلامی غلبه داشته و بیشتر شده‌اند.

همچنین در رابطه با «ارزشهای مثبت مربوط به متغیر رابطه انسان با خدا» (یعنی شاخصهای: ایمان و اعتقاد به خدا و دین، اعتقاد به اصول دین، وجود و لزوم انجام مناسک دینی، وجود زندگی دینی، وجود احساسات و عواطف دینی، وجود دانستیها و دانش دینی) و تفاوت نسبت‌های مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t = ۴/۳$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی داری $p = ۰/۰۰۰$ ، با ۹۹ درصد اطمینان از تفاوت معنی‌دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت

این شاخص به مقدار $0/351$ برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/254$ برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع بعد از انقلاب اذعان کرد. به عبارت دیگر، ارزشهایی که دلالت‌کنندگی مثبت بر رابطه انسان با خدا داشته‌اند، در مجموع ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی و دانشی در مقطع بعد از انقلاب اسلامی غلبه داشته‌اند و بیشتر شده‌اند.

همچنین در رابطه با «ارزشهای منفی مربوط به متغیر رابطه انسان با خدا» (یعنی شاخصهای: عدم ایمان به خدا و دین، عدم اعتقاد به اصول دین، عدم وجود و لزوم انجام مناسک دینی، عدم وجود زندگی دینی، عدم وجود احساسات و عواطف دینی، عدم وجود دانستیها و دانش دینی) و تفاوت نسبتهای مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t = 4/23$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی داری $p = 0/000$ ، با 99 درصد اطمینان از تفاوت معنی‌دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/044$ برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/080$ برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع قبل از انقلاب اذعان نمود. به عبارت دیگر، ارزشهایی که دلالت‌کنندگی منفی بر رابطه انسان با خدا داشته‌اند در مجموع ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی و دانشی در مقطع قبل از انقلاب اسلامی غلبه داشته و بیشتر بوده‌اند.

نتایج حاصل از این آزمون، مؤید فرضیه تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار آماری در رابطه انسان با خدا (دینداری) در مقطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی است. آزمون نسبتها، این تفاوت را به نفع انقلاب اسلامی ثبت نموده است. به عبارت دیگر، مجموع مضامینی که دربردارنده رابطه انسان با خدا بوده‌اند، در مجموع ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی، دانشی یا فکری قبل از انقلاب اسلامی نسبت به بعد از انقلاب اسلامی متفاوت شده و یا در مجموع ابعاد نامبرده، وضعیت متفاوتی را پیدا نموده‌اند. به طوری که ارزشهایی که دلالت‌کنندگی مثبت بر رابطه انسان با خدا داشته‌اند، در مجموع ابعاد اعتقادی، مناسکی، پیامدی، احساسی و فکری بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده و ارزشهایی که دلالت‌کنندگی منفی بر رابطه انسان با خدا داشته‌اند، در مجموع این ابعاد، قبل از انقلاب اسلامی بیشتر بوده و بعد از انقلاب اسلامی کاهش یافته‌اند.

این حالت یا ارزش تلقی شدن رابطه انسان با خدا در مضامین مندرج در روزنامه‌ها بویژه در مقطع بعد از انقلاب اسلامی، مؤید «جهت‌گیری دینی» نظام ارزشهای فرهنگی ایران، به طور عام و ماهیت دینی انقلاب اسلامی ایران، به طور خاص است. در انقلاب اسلامی ایران ارزشهای دینی از ایمان و اعتقاد به خدا و دین گرفته تا اعتقاد به اصول دین، آداب و مناسک دینی، اعتقاد به تأثیر دین بر زندگی و تولید رفتارهای فردی و جمعی متناسب، خوف و خشیت نسبت به او، اعتقاد به آگاهیهای دینی، معرفت‌اندوزی و کسب دانش دینی و لزوم افزایش آن برای یک فرد مسلمان، همه و همه در انقلاب اسلامی محملی برای ظهور و بروز افزون‌تر یافته‌اند و ماهیت دینی انقلاب اسلامی را رقم زده و نقش ارزشهای دینی را در تعیین بخشیدن به ماهیت انقلاب مشخص نموده‌اند. تأکید بر ارزشهای مذهبی به عنوان عامل مهم در نظام ارزشی جامعه و سهم مؤثر دین در پیدایش ارزشها و نقش دین در پاسخگویی به سؤالات غایی بشر از سوی ویلم، لیون، موتلو، و ندرزندن، هویزمن، براون و ولف، جایگاه نظری تحقیق را با عطف به نتایج تجربی حاصله روشن و آشکار کرد.

جدول شماره ۳: آزمون تجزیه و تحلیل واریانس ارزش فرهنگی رابطه انسان با خدا

نوع ارزش	آماره های آزمون F		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
	رابطه	انسان با خدا					
رابطه انسان با خدا	سال	۰/۲۱۰	۰/۴۷	۵	۰/۴۲۱	۱۰/۸	۰/۰۰۰
	خطا	۰/۴۷		۱۲	۰/۰۳۹		
	کل	۰/۲۵۷		۱۷			

نتایج حاصل از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس^۱ ارزشهای دینی بر حسب ۶ مقطع زمانی مورد بررسی (یعنی سالهای ۱۳۸۱، ۱۳۷۸، ۱۳۶۸، ۱۳۵۸، ۱۳۴۵، ۱۳۴۵)، نشان دهنده این است که متغیر رابطه انسان با خدا با مقدار $F=10/8$ و درجه آزادی (کل) هفده و سطح معنی داری $p=0/000$ ، با ۹۹ درصد اطمینان، تفاوت معنی داری را بین سالهای مورد بررسی نشان می‌دهد. بدین معنی که ارزشهای دینی اعم از اعتقاد به خدا، اصول دین، انجام آداب و اعمال دینی همانند نماز، روزه و

1. anova

حج، اعتقاد به تأثیر دین بر زندگی فردی و اجتماعی و اعتقاد به لزوم کسب معرفت و آگاهی دینی در بین شش سال مورد بررسی از وضعیت متفاوتی برخوردار بوده است.

آزمون فرضیه جزئی تحقیق

جدول شماره چهار، به نتایج آزمون t نسبتها برای چهار مقوله دینداری مفروض در فرضیه جزئی شماره یک تحقیق می‌پردازد. از نظر آماری معنی‌دارترین مقولات دینداری به قرار زیر است (بدیهی است مقولاتی که از نظر آماری معنی‌دار شناخته نشده‌اند در جدول شماره چهار نیامده‌اند):

جدول شماره ۴: آزمون t برای تفاوت نسبتهای مربوطه به شاخصهای «احساسی» و «مناسکی» و «پیامدی» و «دانشی» در مقاطع زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

مقارناری	T	انحراف معیار اذغام شده	بعد از انقلاب		قبل از انقلاب		مقاطع زمانی / جهت گیری ارزشی
			نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	
وجود احساسات و عواطف دینی	۴/۱۲	۰/۰۰۵۴	۰/۰۱۶	۷۷	۰/۰۴۲	۶۹	وجود احساسات و عواطف دینی
وجود ولزوم انجام مناسک دینی	۲/۰۶	۰/۰۰۴۴	۰/۰۲۱	۱۰۴	۰/۰۳۱	۵۱	وجود ولزوم انجام مناسک دینی
تأثیر دین بر زندگی روزمره	۸/۹۵	۰/۰۰۸۹	۰/۱۵۹	۷۵۴	۰/۰۷۱	۱۱۷	تأثیر دین بر زندگی روزمره
وجود دانستیها و دانش دینی	۳/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۶۸	۳۲۵	۰/۰۴۷	۷۸	وجود دانستیها و دانش دینی

*درجه آزادی بینهایت

در مورد جهت گیری «وجود احساسات و عواطف دینی» و تفاوت نسبتهای مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t=4/12$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی‌داری $p=0/000$ ، با ۹۹ درصد اطمینان از تفاوت معنادار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/016$ برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/042$ برای قبل انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع قبل از انقلاب اسلامی اذعان نمود. به عبارت دیگر، ارزشهای دلالت‌کننده بر وجود احساسات و عواطف دینی قبل از انقلاب

اسلامی بیشتر بوده‌اند. این بدان معنی است که غلبه بعد احساسی و عاطفی دینداری، می‌تواند یکی از ویژگیهای نظام فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی تلقی شود. برقراری نوعی رابطه با خداوند که از مرعی و منظر عواطف دینی و از زاویه امیدواری نسبت به الطاف و مراحم او، اظهار عشق، مودت و سرسپردگی نسبت به او، خوف و خشیت از خشم و غضب او، سپردن خود به او در ناملازمات زندگی و توکل به او صورت می‌پذیرد، می‌تواند از جمله ویژگیها و مختصات این دوره تلقی گردد.

در مورد جهت‌گیری «وجود و لزوم انجام مناسک دینی» و تفاوت نسبتهای مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t=0.6$ و درجه آزادی بی‌نهایت، با ۹۵ درصد اطمینان از تفاوت معنی دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار 0.21 برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار 0.31 برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع قبل از انقلاب اسلامی اذعان نمود. به عبارت دیگر، ارزشهای دلالت‌کننده بر وجود و لزوم انجام مناسک دینی قبل از انقلاب بیشتر بوده‌اند. این بدان معنی است که غلبه بعد مناسکی دینداری، می‌تواند یکی از ویژگیهای نظام فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی تلقی شود. ارزش تلقی شدن انجام فرایض و عبادات مذهبی و برگزاری مراسم دینی از انجام فریضه نماز و روزه، بجا آوردن حج ابراهیمی، تعظیم اعیاد مذهبی غدیر، قربان، فطرو...، شرکت در عزاداریهای دینی و از جمله سوگواری، سینه‌زنی و روضه خوانی روز عاشورا و تاسوعا، از جمله ویژگیها و مختصات این دوره تلقی می‌شود.

در مورد جهت‌گیری «تأثیر دین بر زندگی روزمره» یا دینداری پیامدی که از آن به عنوان وجود زندگی دینی نیز نام برده شده است و تفاوت نسبتهای مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t=0.95$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی داری $p=0.000$ ، با ۹۹ درصد اطمینان از تفاوت معنی دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار 0.159 برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه این شاخص به مقدار 0.071 برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت بعد از انقلاب اسلامی اذعان نمود. به عبارت دیگر، ارزشهای دلالت‌کننده بر تأثیر دین بر زندگی روزمره بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده‌اند. این بدان معنی

است که غلبه بعد پیامدی دینداری، می‌تواند یکی از ویژگیهای نظام فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی تلقی شود. تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از ربا خواری، لزوم تشکیل حکومت اسلامی، نفی اطعمه حرام و لزوم مصرف اطعمه و اشربه حلال و ترویج چنین ارزشهایی از جمله ویژگیها و مختصات این دوره محسوب می‌شود.

در مورد جهت‌گیری «وجود دانستی‌ها و دانش دینی» و تفاوت نسبت‌های مشاهده شده در مقاطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نتایج حاصله نشان‌دهنده آن است که این شاخص با مقدار $t = 3/04$ و درجه آزادی بی‌نهایت و سطح معنی داری $p = 0/0004$ ، با ۹۹ درصد اطمینان از تفاوت معنی‌دار آماری بین این دو مقطع زمانی برخوردار است. با توجه به اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/68$ برای بعد از انقلاب اسلامی در مقایسه با اندازه نسبت این شاخص به مقدار $0/47$ برای قبل از انقلاب اسلامی، می‌توان بر تفاوت این دو نسبت به نفع بعد از انقلاب اسلامی اذعان نمود. به عبارت دیگر، ارزشهای دلالت‌کننده بر وجود دانستیها و دانش دینی بعد از انقلاب اسلامی بیشتر شده‌اند. این بدان معنی است که غلبه بعد فکری یا دانشی دینداری، می‌تواند یکی از ویژگیهای نظام فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی تلقی شود. ارزش تلقی شدن کسب آگاهیهای دینی، معرفت‌اندوزی و علم آموزی از گهواره تا گور، آگاهی از علوم دینی، عقلی و نقلی، معرفت به زندگی ائمه اطهار از تاریخ تولد و وفات آنها گرفته تا آگاهی از سیره عملی آنها، مبارزاتشان علیه کفر و طاغوت، از جمله ویژگیها و مختصات این دوره محسوب می‌شود.

نتایج حاصل از این آزمون مؤید فرضیه تحقیق، مبنی بر معطوف شدن رابطه انسان با خدا از حالت (دینداری) احساسی، مناسکی قبل از انقلاب به حالت (دینداری) پیامدی و فکری بعد از انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، دینداری مبتنی بر وجود احساسات و عواطف دینی همراه با لزوم انجام مناسک دینی در قبل از انقلاب غلبه داشته است و دینداری مبتنی بر تأکید و قبول تأثیر دین بر زندگی روزمره همراه با وجود و لزوم دانش دینی در بعد از انقلاب اسلامی، حالت غالب بوده است. این بدان معنی است که ارزشهایی که در رابطه انسان با خدا قابل طرحند و از آنها با نام ارزشهای دینی و به طور دقیق‌تر، ارزشهای حوزه دینداری نام برده می‌شود، نوعاً از دو وضعیت متفاوت در قبل و بعد از انقلاب اسلامی برخوردار بوده است که تفاوت‌های متنسبه و فوق‌الذکر می‌تواند بخشی از نظام فرهنگی هر مقطع تلقی شود.

بدیهی است که نمی‌توان در خصوص بهتر یا بدتر بودن نوع دینداری در هر دوره اظهار نظر قاطعی نمود. هر دوره بنا به شرایط و مختصات خاص خود حائز ویژگی‌هایی شده است. الگوی جامع دینداری بر همراهی همه ابعاد دینداری با یکدیگر تأکید دارد. ابعاد احساسی، مناسکی در کنار ابعاد پیامدی، فکری و دانشی در همراهی و همگامی با یکدیگر قادر خواهند بود که چهره بالنسبه کاملی از انسان دیندار به معرض نمایش گذارد. انسانی که با رشد و تعمیق استعدادهای وجودی و زمینه‌ها و شرایط مساعد اجتماعی قادر است رابطه جامعتری را با خدای خویش به منصفه ظهور گذارد.

بنابراین، مهمترین نتایج حاصل از کاربرد آزمون t در تفاوت نسبتها برای جهت‌گیریهای ارزشی قبل و بعد از انقلاب اسلامی جهت بررسی «فرضیات جزئی تحقیق» نشان‌دهنده آن است که:

۱- رابطه انسان با خدا، قبل از انقلاب اسلامی به سمت جهت‌گیری ارزشی «احساسی» و «مناسکی» معطوف بوده و بعد از انقلاب اسلامی به سمت جهت‌گیری «پیامدی» و «فکری» (دانشی) سوق داده شده است (تأیید فرضیه جزئی شماره ۱). با توجه به مقادیر آماره T برای چهار جهت‌گیری ارزشی مورد بحث (به ترتیب ۴/۱۲-۲/۰۶-۸/۹۵-۳/۰۴) و سطح معنی داری $p=۰/۰۰۰$ با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که نسبت این چهار جهت‌گیری ارزشی در قبل و بعد از انقلاب، از تفاوت معنی‌داری برخوردار است.

جدول شماره ۷: جهت‌گیری ارزشی دینی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

مقطع زمانی		جهت‌گیریهای ارزشی دین
بعد از انقلاب اسلامی	قبل از انقلاب اسلامی	
پیامدی - فکری	احساسی - مناسکی	رابطه انسان با خدا

انطباق مدل نظری با واقعیات تجربی و مضامین ارزشی مندرج در روزنامه‌های با قدمت، پرتیراژ و کثیرالانتشار قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان‌دهنده دو نظام ارزشی دینی متفاوت است. تفاوت نظام ارزشی دینی از بررسی و مقایسه ارزش محوری و جهت‌گیریهای منشعب از آنها قابل حصول است. با آنکه این ادعا نمی‌شود بررسی و مقایسه روزنامه‌ها، کاملاً گویا و طابق نعل به نعل نظام

دینی - فرهنگی جامعه ایران در جامعیت و تامل خود است ولی بنابر شواهد نظری و تجربی، آنها می‌توانند تا حد زیادی، منعکس‌کننده وضعیت فرهنگی جامعه باشند.

برای اطلاع از وضعیت شش مقطع زمانی مورد بررسی و نیز، پی بردن به اینکه کدام سالها، حائز کمترین و بیشترین تفاوت با یکدیگر بوده‌اند، نتایج حاصل از آزمون تحلیل خوشه راهگشاست. لازم است ذکر شود که بنا بر ماهیت فرضیات تحقیق در آزمون خوشه از ماتریسهای عدم شباهت^۱ و به تعبیری از ماتریس فواصل یا تفاوتها، استفاده نموده‌ایم. بر این اساس، صرفاً مجازیم که از تفاوت کمتر یا بیشتر سخن به میان آوریم.

جدول شماره ۵: ماتریس فاصله برای رابطه انسان با خدا بر حسب شش مقطع زمانی

Proximity Matrix (g)

Case	Rescaled Squared Euclidean Distance					
	1:1345	2:1355	3:1358	4:1368	5:1378	6:1381
1:1345	.000	.013	1.000	.216	.009	.029
2:1355	.013	.000	.894	.238	.028	.040
3:1358	1.000	.894	.000	.239	.922	.558
4:1368	.216	.238	.239	.000	.220	.039
5:1378	.009	.028	.922	.220	.000	.000
6:1381	.029	.040	.558	.039	.000	.000

This is a dissimilarity matrix

نمودار شماره ۱: متفاوت‌ترین سالهای مورد بررسی در رابطه انسان با خدا

الف. نتایج حاصل از آزمون تحلیل خوشه و الگوریتم خوشه‌بندی، بر حسب شش مقطع زمانی مورد بررسی نشان‌دهنده آن است که این متغیر در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ و بعد از آن در سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۴۵ و سپس در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵، کمترین اختلاف را با یکدیگر داشته‌اند. به عبارت دیگر، مضامین ارزشی و جهت‌گیریهای دلالت‌کننده بر رابطه انسان با خدا در سال ۱۳۵۸ و سپس ۱۳۶۸ با بقیه سالهای مورد بررسی، بیشترین تفاوت را داشته‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است

1. dissimilarity matrix

که مقاطع زمانی ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ از حیث ارزشهای دینی با سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ حائز تفاوت کمتری شده‌اند.

ب. نتایج حاصل از آزمون تفکیک احتمال وقوع با استفاده از تحلیل خوشه و الگوریتم خوشه‌بندی برای جهت‌گیریهای ارزشی منشعب از متغیر رابطه انسان با خدا، نشان‌دهنده آن است که از میان شقوق و ابعاد مختلف این متغیر، جهت‌گیریهای منفی و مثبت این متغیر، دو گروه‌بندی عمده را تشکیل داده‌اند. به عبارت دیگر، ارزشهایی که دلالت‌کنندگی منفی داشته‌اند در یک گروه، و ارزشهایی که دلالت‌کنندگی مثبت داشته‌اند در گروه دیگر جای گرفته‌اند. هر یک از این دو گروه متفاوت، در گروه‌بندی داخل خود، کمترین اختلاف و ناهمگرایی را واجد هستند. به طوری که می‌توان اذعان نمود که در گروه ارزشهایی با دلالت‌کنندگی منفی، جهت‌گیریهای ارزشی: عدم اعتقاد به اصول دین، عدم لزوم مناسک دینی، عدم ایمان و اعتقاد به خدا و دین، عدم احساسات دینی، عدم تأثیر دین بر زندگی روزمره و عدم وجود دانش دینی قرار گرفته‌اند و در گروه ارزشهایی با دلالت‌کنندگی مثبت، جهت‌گیریهای ارزشی: اعتقاد به اصول دین، لزوم مناسک دینی، ایمان و اعتقاد به خدا و دین، وجود احساسات و عواطف دینی، وجود دانش دینی قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، بیشترین ناهمگرایی و اختلاف در بین جهت‌گیری ارزشی تأثیر دین بر زندگی روزمره با عدم وجود و لزوم دانش دینی رویت شده است. به عبارت دیگر، اعتقاد به تأثیر دین بر زندگی روزمره و لزوم برخورداری از زندگی دینی با بی‌دانشی و ناآگاهی از دانش دینی و عدم الزام برای کسب آن، شدیداً ناسازگار است.

نمودار شماره ۲: همگرایی و ناهمگرایی میان جهت‌گیریهای ارزشی رابطه انسان با خدا
در اینجا و در مقام آزمون فرضیات کلی تحقیق، می‌توان گفت که ارزشهای دینی: از ایمان و اعتقاد به خدا و دین گرفته تا اعتقاد به اصول دین، آداب و مناسک دینی، اعتقاد به تأثیر دین بر زندگی و تولید رفتارهای فردی و جمعی متناسب، خوف و خشیت نسبت به او، اعتقاد به آگاهیهای دینی، معرفت‌اندوژی و کسب دانش دینی و لزوم افزایش آن برای یک فرد مسلمان، در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۸۱ (دو مقطع بعد از انقلاب) با سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ (دو مقطع قبل از انقلاب)، از تفاوت نسبتاً کمتری برخوردار بوده‌اند. با توجه به سایر نتایج حاصله، یعنی تفاوت سالهای ۱۳۵۸ و

۱۳۶۸ (دو مقطع بعد از انقلاب) با بقیه سالهای مورد بررسی می‌توان چنین اندیشید و شاید چنین انتظاری نیز بجا باشد که در سال ۱۳۵۸ به دلیل شرایط خاص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت فضای انقلابی نسبتاً شدید که واقعه انقلاب را ملهم و برخاسته از تفکرات دینی و اسلامی می‌دانست، اساساً با نوع متفاوتی از نگرش به دین و تلقی از دینداری مواجه هستیم که متفاوت با شرایط قبل از انقلاب است. در سال ۱۳۶۸ نیز به نظر می‌رسد نگرش به دین و تلقی از دینداری با توجه به شرایط اجتماعی این دوره قابل توضیح بوده و بتوان شاخص بودن آن را (به جهت حائز بودن بیشترین تفاوت و تشکیل یک گروه‌بندی متفاوت) با شرایط خاص این دوره، یعنی پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که دورانی مشحون از حماسه آفرینیهای رزمی ملهم از باورها و ارزشهای دینی همچون مبارزه با دشمن متجاوز به نوامیس و مقدسات، دفاع از میهن اسلامی، شهادت در راه خدا و لزوم حفظ دولت دین (ولو با ارتحال رهبر انقلاب) است، توضیح داد.

نتیجه گیری نهایی

دستاوردهای تجربی تحقیق در جامعه آماری مورد بررسی نشان دهنده آن است که:

- ۱- فرضیات تحقیق مبنی بر تفاوت میان ارزشهای دینی و جهت گیریهای ارزشی مقطع قبل از انقلاب اسلامی با مقطع بعد از انقلاب اسلامی به طور غالب به تأیید رسید.
- ۲- بنابر تأیید فرضیات جزئی تحقیق، نظام ارزشهای دینی قبل از انقلاب اسلامی براساس جهت گیریهای ارزشی متعلقه (آرایش ارزشی نظام)، به لحاظ رابطه انسان با خدا، مبتنی بر نوعی رابطه و دینداری «احساسی و مناسکی» است.
- ۳- بنابر تأیید فرضیات جزئی تحقیق، نظام ارزشهای دینی بعد از انقلاب اسلامی بر اساس جهت گیریهای ارزشی متعلقه (آرایش ارزشی نظام)، به لحاظ رابطه انسان با خدا، مبتنی بر نوعی رابطه و دینداری «پیامدی و فکری (دانشی)» است.

به نظر می‌رسد حوزه مطالعات فرهنگی می‌بایست قابلیت‌ها و توانمندیهای خود را در عرصه نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی از منظر جامعه‌شناختی برای نمایش افقهای بیشتر و تطبیق با واقع، افزایش دهد. بومی‌سازی نظریات در جهت افزایش قابلیت تبیین‌گری شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بنا بر دیدگاههای نظری موجود و از جمله نظریات ویلم، رابرتسون، اسپرو، موتلو، گیدنز و... ارزشهای دینی نقش غیر قابل انکاری در تبیین ویژگیها،

مختصات و شرایط فرهنگی جامعه دارند. به عنوان یک راهبرد نظری باید گفت که «فلسفه مناسبات اجتماعی» در تبیین شرایط بومی ایران و ملل و نحل مسلمان، می‌بایست پایه اساسی تحلیل خود را بر تبیین رابطه میان «خد»، «سرشت انسانی» و «روابط جمعی انسانها با سایرین» قرار داده و نحوه تولید، بازتولید و بازآفرینی هر یک در دیگری را روشن نماید. به طوری که بتوان در قالب نظریه‌ای جامع، آرایه‌ها و ترکیبات هر رابطه با رابطه دیگر و بدل آفرینی آنها را در قالب یک یا چندین الگوی فرهنگی گویا، تبیین کرد.

منابع فارسی

- آرون، ریمون. (۱۳۶۳). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- انوری، حمیدرضا. (۱۳۷۳). *پژوهشی راجع به تقدیرگرایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). *تحلیل محتوا*. ملیحه آشتیانی و محمد یمینی. دانشگاه شهیدبهشتی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. باقر ساروخانی. انتشارات کیهان.
- جعفری، محمد تقی. [علامه]. (۱۳۵۷). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۴۹.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. نشر نی.
- دووزه، موریس. (۱۳۶۰). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ابوالفضل قاضی. انتشارات امیرکبیر.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۰). *فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی*. روزنامه‌خوانی. مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*. دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. [علامه]. (۱۳۶۲). *خلاصه تعالیم اسلام*. انتشارات کعبه.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۷۴). *مطبوعات و تحولات اجتماعی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- فیض الاسلام، سید علینقی. (۱۳۶۵). *ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علی (ع)*. سرای امید.
- کازنو، ژان. (۱۳۶۴). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*. باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. اطلاعات.
- کدی، نیکی. آر. (۱۳۷۵). *ریشه‌های انقلاب ایران*. عبدالرحیم گواهی. نشر قلم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری کاشانی. نشر نی.
- لازار، ژودیت. (۱۳۸۰). *افکار عمومی*. مرتضی کتبی. نشر نی.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها، رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محسنیان راد و همکاران. (۱۳۷۶). *ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی* (طرح تحقیقاتی). تهران: دانشگاه امام صادق، گروه ارتباطات.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۷۵). *انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها*. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۵۶). *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- _____ . (۱۳۵۸). *روزنامه‌نگاری، با فصلی جدید در بازنگری روزنامه‌نگاری معاصر*. نشر سپهر.
- _____ . (۱۳۷۱). *وسایل ارتباط جمعی*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ویلم، ژان پل. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادیان*. عبدالرحیم گواهی. نشر تبیان.

منابع لاتین

- Hamilton, Malcolm. (1995). *The Sociology of Religion*.
- Hills, J. (2002). *Value Orientations*. American University.
- Holliday, Fred. (1981). "The Iranian Revolution : Uneven Development and Religious Problems". *Journal of International Affairs*. Vol. 36. N.2. Fall.
- Keddie, Nikki .R. (1981). *Roots of Revolution, An Interpretive History of Modern Iran*. New Haven and London : Yale University Press.
- Kluckhohn, Florence & Strodtbeck, R. (1961). *Variations in Value Orientations*. Evanston, IL: Row Peterson.
- _____ . (1953). *Dominant and Variant Value Orientation*.
- Panahi, Mohammad Hossein. (2001). *An Introduction to The Islamic Revolution of Iran and Its slogans*. Al – Hoda.
- Parsons, Talcott. (1964). *The Social System*. New York : Free Press.
- _____ . (1971). *The System of Modern Societies*. Englewood Cliff, N. J: Prentice Hall.
- Robertson, Ronald. (1970). *The Sociological Interpretation of Religion*. Oxford : Basil Blackwell.
- Rokeach, Milton . (1968). *Beliefs, Attitudes and Values*. Jossey Bass Publishers.
- Schwartz, S.H. & Huismans. (1995). *Studying Human Values*. Journal of Cross-Cultural Psychology.
- Schwartz, S.H. (1992). *Universal In The Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Empirical Tests in 20 Countries*. in M. Zana (ed.), *Advances In Experimental Social Psychology*, vol. 25, Orlando, FL: American Press.
- Spiro, Melford. E. (1960). "Religion: problems of Definition and Explanation". Micheal Banton (ed.). London : Tavistock.

- Yinger, Milton.(1970).*Scientific Study of Religion*. NewYork.Macmilan, publishing.
- Zaharna, R.S. (2000). *The Competing Systems of Values and Communication Styles In Contemporary Palestinian Society*.April

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.